

همسویی ایدئولوژی و منافع ملی و روند قدرت یابی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۶)

مهدی پرهان^۱، غلامرضا کریمی^۲، ارسلان قربانی شیخ نشین^۳، سیدعلی منوری^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۰۲

چکیده

پس از پایان جنگ تحمیلی، جمهوری اسلامی علاوه بر پیگیری ایدئولوژی انقلاب اسلامی به الزامات و منافع ژئواستراتژیک ایران اهمیت داده است. پژوهندگان در این مقاله تلاش می‌کنند با تحقیق درباره نحوه عملکرد جمهوری اسلامی در سه دهه گذشته، تأثیرات همسویی میان ایدئولوژی و منافع ملی را در قدرت‌یابی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بررسی کنند. براین اساس سؤال اصلی مقاله این است که چگونه همسویی ایدئولوژی و منافع ملی در روند قدرت‌یابی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مؤثر واقع شده است؟ فرضیه مقاله این است که تغییر رویکرد نظام و اقدامات آن در انطباق میان ایدئولوژی و منافع ملی کشور موجب افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه شده است. یافته‌های پژوهش که به روش تبیینی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته است نشان می‌دهند که پس از پایان جنگ تحمیلی و آغاز سیاست‌های عمل‌گرایانه در کشور، همسویی ایدئولوژی و منافع ملی براساس برجسته شدن قدرت ملی و موقعیت ژئوپلیتیک و باز تعریف شدن مفاهیم ایدئولوژیک در تصمیم‌گیری کلان نظام، موجب افزایش قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران شده است.

واژه‌های کلیدی: ایدئولوژی، منافع ملی، قدرت‌یابی، جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی.

^۱ - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

^۲ - دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

ghkarimi@khu.ac.ir

^۳ - استاد گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

^۴ - استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

مقدمه

ایران به عنوان کشوری کهن در منطقه خاورمیانه همواره به عنوان کانون بالقوه قدرت در معادلات قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی به حساب آمده است. سابقه این امر را می‌توان در شکل‌گیری و تداوم امپراطوریهای باستانی هخامنشی و ساسانی جستجو کرد. با وجود اینکه ایران پس از حمله اعراب و سقوط ساسانیان به مدت چندین قرن حاکمیت و استقلال ملی خود را از دست داد اما پس از وحدت دوباره کشور و شکل‌گیری حکومتی فراگیر در دوره صفوی، ایران بار دیگر به عنوان قدرتی مهم در عرصه بین‌المللی مطرح گردید. وجه مشخص حکومت صفویان، استفاده ماهرانه آنها از مذهب برای ایجاد مشروعیت و تحکیم قدرت خود بود. از اضمحلال صفویان تا روی کار آمدن قاجاریه پایه‌های قدرت در ایران کماکان پابرجا بود، اما با مرگ آغا محمد خان دوران افول حاکمیت ملی و انفعال سیاسی در عصر قاجار آغاز گردید که این روند تا برقراری حکومت پهلوی ادامه داشت. مفهوم دولت در حکومت پهلوی بر مبنای منافع ملی، ناسیونالیسم و میلیتاریسم تعریف شده بود. محمدرضا شاه پهلوی ارتقا جایگاه ایران را در تعامل گسترده با غرب خصوصاً آمریکا و تقویت ارتش از طریق خریدهای کلان نظامی می‌دید که تبلور آن در بدست آوردن ژاندارمی منطقه بود. اما با وقوع انقلاب اسلامی مشخص گردید که این جایگاه از استحکام لازم برخوردار نبوده و عمدتاً مرسوم حمایت‌های قدرتهای غربی بوده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی و جابه‌جایی قدرت، طغیان احساسات آرمان‌گرایانه، اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران و به تبع آن منطقه را دستخوش تغییرات مهمی کرد و ایدئولوژی اسلامی انقلابی که هویت بخش انقلاب اسلامی بود سرلوحه و خط مشی راهبردی انقلابیون و نخبگان آن قرار گرفت. شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران بیانگر آن بود که سیاست خارجی این کشور بر اساس آرمانهای انقلابی تدوین و پیگیری خواهد شد. همین امر باعث شد که ایران در سطح منطقه و جهان کشوری چالش‌گر شناخته شود که نظم منطقه‌ای و بین‌الملل را تهدید می‌کند. ماحصل چنین سیاستی در آن برهه، انزوای بین‌المللی جمهوری اسلامی بود. در این میان وقوع جنگ تحمیلی و فرسایشی هشت ساله عراق علیه ایران که با هدایت و حمایت قدرتهای غربی و کشورهای محافظه‌کار عرب منطقه همراه بود، علاوه بر تضعیف نظام اسلامی، باعث تنزل جایگاه ایران به قدرتی کوچک، آسیب‌پذیر و حاشیه‌ای شده بود که با موقعیت استراتژیک و

مشخصه‌های ژئوپلیتیک آن هیچ گونه سنخیتی نداشت. این مسئله رهبران جمهوری اسلامی را بدین امر واقف ساخت که ادامه چنین روندی بدون تجدید نظر در نحوه اجرای سیاستهای کلان نظام اسلامی امکان پذیر نمی باشد.

بررسی تحولات سه دهه اخیر نشان می‌دهد این تغییر رویکرد نظام که بر مبنای تلفیق و همسویی میان ایدئولوژی و منافع ملی شکل گرفته شده بود، نقش موثری در استحکام پایه‌های انقلاب اسلامی و افزایش قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه داشته است. لازم به ذکر است از آنجائیکه مفهوم منافع ملی دامنه گسترده‌ای دارد، این همسویی صرفاً در خصوص الزامات استراتژیک و پتانسیل‌های منطقه‌ای ایران مورد بررسی قرار گرفته شده است.

چارچوب نظری: واقع گرایی تهاجمی

جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس همواره با مشکلات امنیتی فراوان روبرو بوده است. تجربه جنگ تحمیلی و تهدیدهای امنیتی ناشی از حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه بی ثبات خاورمیانه، سیاستهای دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران را به سوی برقراری امنیت پایدار، ایجاد بازدارندگی و افزایش قدرت منطقه‌ای سوق داده است. از این رو پشتوانه و نقطه اتکای این پژوهش بر مبنای رهیافت واقع گرایی تهاجمی که دارای قرابت مفهومی با نحوه عملکرد جمهوری اسلامی در سه دهه گذشته می‌باشد قرار می‌گیرد.

در سالهای اخیر پژوهشگران مطالعات امنیتی برداشت‌های متفاوتی از رئالیسم ارائه کرده اند که منافع آنها را در فهم ماهیت تهدیدهای امنیتی نظام بین‌الملل و انتخاب گزینه‌های استراتژیک دولت‌ها برای بقا و پیشرفت در این نظام را نشان می‌دهد. یکی از این برداشت‌های جدید، رئالیسم تهاجمی مطرح شده از سوی جان مرشایمر است که بر اساس آن کشورها باید آن دسته از سیاستهای امنیتی را دنبال کنند که موجب تضعیف دشمنان بالقوه آنان در نظام بین‌الملل می‌شود و قدرت آنها را نسبت به بقیه کشورها افزایش می‌دهد. (ال. لمی، ۱۳۹۲: ۴۱۸) مبحث اصلی رویکرد واقع گرایی تهاجمی این است که قدرتهای بزرگ در تلاش برای افزایش قدرت و ایجاد هژمونی به منظور ارتقا قابلیت‌های بقای خویش در محیط نامطمئن و متغیر بین‌المللی بوده اند. بر این اساس ابرقدرتها به جای قرار گرفتن در منطقه امن تحت تسلط خود به گسترش قدرت و نفوذ در مناطق دیگر پرداخته اند. آنها به دنبال سرمایه گذاری بر روی اختلافات منطقه‌ای و کسب منافع هرچه

بیشتر از قبل آن بوده اند. (Cantelmo, 2016:40) واقع گرایان تهاجمی این استدلال واقع گرایان ساختاری تدافعی را که دولت‌ها باید از بیشینه ساختن قدرت خودشان پرهیز کنند، صریحاً مردود می‌شمارند. آنها معتقدند که بیشینه ساختن قدرت لزوماً موجب برانگیختگی واکنشی از سوی طرف مقابل نمی‌شود و بنابراین دولت‌ها می‌توانند به شیوه‌ای عقلایی درصدد دستیابی به برتری منطقه‌ای برآیند. (گریفتس، ۱۳۹۴:۱۰۲۳).

ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران

ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران که بر گرفته شده از قرآن، فقه اسلامی - شیعی، تفکرات امام خمینی (ره) و ضروریات انقلابی می‌باشد، دارای ویژگی‌هایی است که در مجموع هویت، اهداف و گستردگی آن را در چهارچوب یک نظام اسلامی - انقلابی تعریف می‌کند. بررسی این ارزشها و آرمانها، چگونگی تأثیر و محوریت ایدئولوژی انقلاب اسلامی و نقشها و تکالیف لحاظ شده در آن را بر دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مشخص می‌سازد. برخی از مهمترین اصول و مفاهیمی که تبیین کننده ایدئولوژی انقلاب اسلامی هستند عبارتند از:

۱- ولایت فقیه

ولایت فقیه از اصول اساسی مختص به ایدئولوژی انقلاب اسلامی است که بر اساس یک تفسیر حداکثری از آموزه‌های اسلام شیعی مبنی بر التزام به برقراری حکومت اسلامی توسط ولی فقیه جامعه در دوران غیبت امام زمان (ع) شکل گرفته و مبنای تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران شده است.

امام خمینی (ره) لزوم تشکیل حکومت اسلامی توسط فقیه عادل را در ظالمانه بودن حکومت‌های بشری بدلیل خطا پذیری و عدم تطبیق مصالح شخص خود با مصالح عمومی جامعه توسط حاکم آن می‌دانند. (فیرحی، ۱۳۹۳: ۹۵) ایشان تأکید دارند چنانچه فقیه آگاه و عادل حکومت اسلامی تشکیل دهد باید امور جامعه را مطابق با آنچه پیامبر (ص) توصیه کرده بر عهده بگیرد. این امر موجب برقراری رابطه عاطفی بین ولی فقیه و امت اسلامی می‌شود و یک رابطه وجودی، بیعت و تبعیت گونه را بین او و جامعه به وجود می‌آورد. بر این اساس ولی فقیه در رأس هرم نظام اسلامی قرار می‌گیرد و هستی و نیستی سیاسی، اجتماعی جامعه در اختیار و اراده او خواهد بود. (ازغندی، ۱۳۸۹: ۵۳)

۲- عدالت طلبی

ایمان به عدالت طلبی به عنوان یک اصل بنیادی در فرهنگ شیعه، نگرش سیاسی ویژه‌ای را در پی داشته که خودانگیختگی، تحریک پذیری، میل به فداکاری و آرمانخواهی شیعیان مرهون آن است (هنری لطیف پور، ۱۳۸۰: ۷۳) «دین اسلام و مذهب تشیع بیش از سایر منابع عدالت طلبی ایرانیان را تقویت نموده است.» (نوری و ملکوتی، ۱۳۹۱: ۲۵) «پس عدالت جویی را می‌توان یکی از ارزش‌های فرهنگ اسلامی که بدل به نوعی ارزش در سیاست خارجی می‌شود دانست. این قاعده به هویت جمهوری اسلامی به عنوان یک عنصر عدالت‌گرا و یک واحد سیاسی عدالت‌جو شکل خواهد داد.» (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۲)

۳- قاعده نفی سبیل

معنا و مفهوم قاعده نفی سبیل این است که «خداوند در قرآن و شریعت اسلام هیچگونه راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین باز نگذاشته و هرگونه راه تسلط کافرین بر مسلمین را بسته است. پس کافر در هیچ زمینه نمی‌تواند شرعاً مسلط بر مسلمانان باشد.» (شکوری، ۱۳۶: ۳۸۶) این اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی «بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب» استوار شده است. (منصور، ۱۳۸۲: ۸۴)

۴- تشکیل «امت واحده جهانی»

هدف نهایی از برقراری حکومت اسلامی در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران تشکیل «امت واحده جهانی» است که همچون دیگر اصول ایدئولوژیک انقلاب اسلامی منبعت از آموزه‌های قرآن کریم می‌باشد: «ان هَذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَاَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ».

بر این اساس یکی از مهمترین اهداف بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران «استقرار جامعه اسلامی بر اساس مبانی شیعی» می‌باشد. پیرو این سیاست دولت جمهوری اسلامی وظیفه دارد از سرزمین‌های مسلمین با تمام قوا دفاع کند چرا که تضعیف هر جز از جامعه اسلامی لطمه‌ای جبران‌ناپذیر به دیگر اجزای آن وارد خواهد کرد. لذا با توجه به مندرجات قانون اساسی و مقدمه آن تشکیل امت واحده جهانی مهم‌ترین هدف کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌گردد. (ازغندی، ۱۳۸۹: ۷۵)

۵- صدور انقلاب

یکی از مهمترین علت‌های وجودی حکومت و لزوم تشکیل نظام جمهوری اسلامی قابلیت صدور انقلاب، جهت نیل به دیگر اهداف تعیین شده در ایدئولوژی انقلاب اسلامی می‌باشد. از آنجائیکه صدور انقلاب از اهداف اساسی و ثابت جمهوری اسلامی بوده و حیات نظام اسلامی در گسترش آن ورای مرزهای جغرافیایی تعریف شده است، در قانون اساسی نیز توجه ویژه‌ای بدان مبذول داشته شده است و هشت اصل از آن به طور ویژه به صدور انقلاب اختصاص داده شده است.

۶- اصل «تولی و تبری»

«تولی» در لغت به معنای دوستی کردن، کاری را بر عهده گرفتن و «تبری» نیز به معنای بیزاری و بیزاری جستن است. در آموزه‌های اعتقادی و تعالیم اسلامی، «تولی» و «تبری» به ترتیب به معنای دوستی با خدا، اولیاء الهی و اهل بیت و دشمنی با دشمنان خدا، پیشوایان باطل و طاغوت است. (جوادی آملی، ۱۳۹۲) اصل «تولی» و «تبری» مکمل مفهومی «قاعده نفی سبیل» در ایدئولوژی انقلاب اسلامی است و نمود عینی آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، برقراری رابطه حسنه، مسالمت آمیز و سازنده با دنیای اسلام و حمایت از مسلمانان، مستضعفان و نهضت‌های آزادی بخش و از طرفی استکبار ستیزی و مبارزه با نظام سلطه و بی عدالتی در عرصه بین‌المللی می‌باشد.

۷- اصل «تالیف قلوب»

«تالیف قلوب» از لحاظ لغوی به معنای ارتباط پیدا کردن و جوش خوردن دلها و از نظر لغوی «حمایت اقتصادی مسلمین و یا کفار توسط پیامبر و یا امام و یا فقیه و دولت اسلامی به منظور جلب آنان برای جهاد و مبارزه و گرایش به اسلام و دفاع از آن است». (شکوری، ۱۳۶۱: ۴۸۶) بر اساس فتوای امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله، عمومیت تالیف قلوب بر مسلمان و غیر مسلمان است. با این اصل می‌توان تمامی نهضت‌های ضد استعماری و ضد استبدادی جهان را اعم از اسلامی و غیر آن، متوجه انقلاب اسلامی گردانید. (شکوری، ۱۳۶۱: ۵۰۱) این اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با مضامینی تحت عنوان «دفاع از حقوق همه مسلمانان» و «حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان» مشهود است. (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۵۴)

۸- اصل دعوت

«دعوت اولین گام و اولین اصل در سیاست خارجی اسلام است. دعوت عبارت است از درخواست پذیرش اسلام از غیر مسلمین». (شکوری، ۱۳۶۱:۳۵۸ - ۳۵۷) هر اندیشه‌ای هر قدر هم که پیشرفته باشد برای گسترش آن ناچار به تبلیغات است. اسلام هم از این قاعده مستثنی نیست و ضرورت این دعوت در آن است که حیات اسلام بدان بستگی دارد. هدف اصلی از «دعوت» در اسلام، بناء جامعه اسلامی مطابق احکام الهی است و هر روشی که تحقق این امر را تسریع کند، در اولویت قرار دارد. (جعفر الظالمی، ۱۳۵۹:۱۲۲) بر این اساس اصل صدور انقلاب مهمترین سیاست و راهکار عملی تحقق اصل «دعوت» در جمهوری اسلامی ایران است.

منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

مفهوم منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران تلفیقی از مصالح اسلامی، مقتضیات ملی و عوامل ژئوپلیتیک می‌باشد. از این رو در این قسمت منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در سه زمینه حفظ موجودیت و بقای جمهوری اسلامی؛ تقویت امنیت و قدرت دفاعی کشور و تمرکز بر الزامات استراتژیکی و ژئوپلیتیک ایران و گسترش نفوذ منطقه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- حفظ موجودیت و بقای جمهوری اسلامی

در بین تمامی اصول و منافع جمهوری اسلامی، حفظ و بقای نظام اسلامی، در سیاستگذاری‌های کلان جمهوری اسلامی ایران، ارجحیت تام دارد. نظام اسلامی به عنوان مهمترین اصل وجودی جمهوری اسلامی ایران، بدون حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور میسور و ممکن نیست و نظریه «ام القرای» اسلامی نیز با توجه و استناد به چنین دیدگاهی شکل گرفته شده است.

استقرار حکومت اسلامی گام اول برای جهانی شدن اسلام و حرکت به سوی حکومت واحد جهانی است. از این منظر نظریه «ام القری» در ابتدا به مفهوم حکومت اسلامی و مصلحت حکومت نظر دارد زیرا تهدید قلمرو و مرزهای «ام القری» تهدید مستقیم حکومت اسلامی است که حفظ آن از اهم واجبات است. بر این مبنا حفظ جمهوری اسلامی به معنای حفظ قلمرو ملی ایران و تمامیت ارضی، تنها بر عهده یک ملت و حکومت برآمده از آن نبوده، بلکه بر همه مسلمانان جهان واجب است به حفظ و پاسداشت تمامیت ارضی و

سرزمینی ایران بپردازند. زیرا به خطر افتادن این قلمرو به منزله به خطر افتادن کل جهان اسلام است. (زارعی و ذکی، ۱۳۹۰: ۲۳۰-۲۲۸) و از آنجایی که حفاظت از «دارالاسلام» و حفظ نظام اسلامی طبق احکام ثانویه فقهی مقدم بر تمامی امور است، قاعدتاً مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز حفظ موجودیت کشور و حاکمیت نظام اسلامی می‌باشد. جدای از این، این اصل در نظریه‌های روابط بین‌الملل نیز در قالب حفظ «نظام دولت» بر اساس «دولت-ملت و ستفالیایی» مطرح شده و به معنای حفظ بقا و منافع ملی بوده و در صدر اهداف سیاست خارجی قرار دارد. (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۸۰)

۲- تقویت امنیت ملی و قدرت دفاعی کشور

صیانت از حریم کشور اصولاً محدود به مرزهای ملی است اما بخاطر ماهیت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی دفاع از قلمرو سرزمینی علاوه بر بعد جغرافیایی و ملی، در قالب دفاع از کیان اسلامی و حفظ «ام القرای» مسلمین نیز تعریف می‌شود.

انقلاب ایران از همان ماههای نخست به دلایلی چون: ماهیت ایدئولوژیک، هرج و مرج ناشی از تغییر رژیم، اشغال سفارت آمریکا، صدور انقلاب، اصل نه شرقی و نه غربی، طمع کشورهای قدرتمند به خاک ایران و برآورد اشتباه نسبت به سهل الوصول بودن و شکننده بودن انقلاب و..... با تهدیدات امنیتی فراوانی مواجه گردیده است. که موجب شده در نظام جمهوری اسلامی حفظ، بقا و امنیت ملی بعنوان مهمترین اصل سیاست خارجی در نظر گرفته شود و دیدگاه امنیتی در نگرش و فهم مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، همواره جایگاه و اولویت نخست را داشته باشد. (صفوی، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۱۲۰) از این رو جمهوری اسلامی ایران به پیروی از آموزه‌ها و دستورات اسلام، برای دفاع و تامین امنیت خود، همواره در پی کسب و افزایش قدرت دفاعی و بازدارنده بوده است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۵۷)

۳- تمرکز بر الزامات استراتژیکی و ژئوپلیتیکی ایران و گسترش نفوذ منطقه‌ای

ایران کشوری است که به واسطه موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی خود، از امکانات بالقوه‌ای برای تأثیرگذاری بر تعاملات جهانی برخوردار است. جغرافیای وسیع و متمایز ایران، منابع عظیم انرژی در داخل و اطراف ایران، ترکیب و کیفیت جمعیتی، گستردگی حوزه نفوذ فرهنگی و در کل موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیک با تأثیرات متقابل استراتژیکی بر تحولات منطقه‌ای به گونه‌ای است که باعث گردیده ایران همواره در سیر

تحولات استراتژیک به عنوان یکی از اجزای لاینفک استراتژیهای جهانی محسوب شود و متقابلاً از آن تاثیر پذیرد. (عباسی سمنانی، ۱۳۹۲:۱۰۳-۱۰۰) نظریه ساختار ژئوپلتیک جهان ایران را بخش مهمی از خاورمیانه می داند که می تواند منشأ تحول باشد. از نظر «هانتینگتون» ایران مرکز تمدن اسلامی است که اتحاد آن با تمدن کنفوسیوسی می تواند پایه های تمدن غرب را متزلزل سازد. «توال» ایران را سرچشمه تحرک و پویایی جهان تشیع و جهان اسلام می داند و «فولر» از آن به عنوان «قبله عالم» یاد می کند. (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۹۱:۳۲)

همسویی ایدئولوژی و منافع ملی و روند قدرت یابی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران

پس از شناخت ایدئولوژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران لازم است مجموعه تدابیر و اقدامات عمل گرایانه در نظام اسلامی طی سه دهه گذشته و نقش آن در قدرت یابی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران در قالب موارد ذیل مورد بررسی قرار گیرد:

۱- اهمیت یافتن منافع ملی

موفقه های تصمیم گیری طی سالهای ۶۹-۱۳۵۷ تحت تاثیر بنیانهای انقلاب اسلامی و رسالت دینی جهان شمول آن بود. در این دوران پان اسلامیسیم به طور روشنی بر اندیشه منافع ملی برتری داشت و مبنای عمل مجاری و نهادهای تصمیم گیری سیاست خارجی، جهان بینی اسلامی بود. تا این مقطع سیاست خارجی جمهوری اسلامی صرفاً بر واقعیات بیرون از مرزها توجه داشت و مستقل از واقعیات درون ایران عمل می کرد. (صفوی، ۱۳۸۹:۱۷) و در مجموع بر مبنای ایدئولوژیک سازی، رادیکالیزم و توده گرایی قرار گرفته شده بود. (متقی، ۱۳۸۹:۶۹ - ۶۷) اما با پایان جنگ و روی کار آمدن دولت هاشمی رفسنجانی، جمهوری اسلامی با چرخشی تدریجی، از سیاستهای رادیکال گذشته و حامیان آن فاصله گرفت. در این مقطع، آیت الله خامنه ای با حمایت از دولت و رئیس جمهور عملگرا، از گروههای رادیکال و الگوهای رفتاری آنها انتقاد بعمل آورده و با فتنه گر خواندن آنها، جایگاه و اعتبار اجتماعی این گروهها را کاهش دادند. (احتشامی، ۱۳۸۵:۱۰۹)

چنین چرخشی اثرات عینی قابل ملاحظه ای در برداشت از جمله محوریت یافتن منافع ملی به عنوان یکی از اصول اساسی روابط خارجی کشور و ابتدای عقلانیت و محاسبه به جای احساسات که تا این زمان تعیین کننده اصول و رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود. (نقیب زاده، ۱۳۸۸:۲۴۱) همچنین این

تغییرات راهکار مناسبی برای ارتقاء وجهه جمهوری اسلامی و خروج از انزوای سیاسی حاصل از سیاستهای گذشته و ابتکار عمل بیشتر جهت پیگیری ارزشهای انقلاب اسلامی در سایه تعدیلات به وجود آمده بود.

۲- تغییر الگوی صدور انقلاب

یکی از سیاستهای که در سالهای اولیه پیروزی انقلاب اسلامی، بر اساس برداشت حداکثری از ایدئولوژی انقلاب توسط آرمانگرایان اسلامی پیگیری می‌شد، سیاست صدور فیزیکی و قهر آمیز انقلاب اسلامی به سایر نقاط جهان یا سیاست «انقلاب مستمر» بود. اما بتدریج مشخص گردید، پیگیری چنین سیاستی هزینه‌های معتناهی را برای انقلاب اسلامی، منافع ملی ایران و دست یابی به اهداف مورد نظر جمهوری اسلامی به همراه دارد. رویارویی با واقعیت‌های جنگ، توجه به محدودیتها و کاستی‌ها در داخل و به مخاطره افتادن امنیت جمهوری اسلامی موجب گردید تا راهبرد نظام در قبال سیاست «انقلاب مستمر» دچار تغییر و تحول شود. بر این اساس سیاستگذاران نظام بر آن شدند تا با رویکردی واقع بینانه تر، مسئله حفظ نظام اسلامی را در اولویت امور قرار داده و سیاست صدور انقلاب را بر اساس دکترین «ام القری» بر پایه حفظ قلمرو و نظام اسلامی در محدوده جغرافیایی ایران پیگیری کنند.

پایان جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در واقع بر اساس این دیدگاه جدید که حفظ ام القری را بر منافع جهان اسلام مقدم می‌داشت، صورت می‌گرفت. (ازغندی، ۱۳۸۴: ۳۶-۳۵)

همچنین جمهوری اسلامی به دنبال آن بود تا با تعمیم امنیت نظام اسلامی به امنیت کل امت اسلامی اهمیت نقش و جایگاه ایران در جهان اسلام را برجسته کرده و به مسئولیت‌های فراملی جمهوری اسلامی ایران در قبال این مجموعه رسمیت ببخشد. امری که موجبات نقش آفرینی آتی ایران در تحولات منطقه ای را فراهم می‌آورد.

۳- «تعامل سازنده» در روابط خارجی

پس از پایان جنگ روند جدیدی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید. در روند جدید ایران به دنبال گسترش روابط دوستانه خود با تمامی کشورهای جهان بود. توسعه روابط با دیگر کشورها در این دوران به منزله تحمیل اصول ایدئولوژیک ایران بر دیگر واحدهای سیاسی نبود. هدف از این گونه روابط

خروج از انزوای سیاسی و به حداقل رساندن محدودیت‌هایی بود که کشورهای شرق و غرب برای انقلاب اسلامی ایران ایجاد کرده بودند. (احتشامی، ۱۳۸۵: ۱۹۱-۱۹۰)

بر این اساس جمهوری اسلامی با در دستور کار قرار دادن سیاست‌هایی چون گفتگو با اتحادیه اروپا، بهبود روابط دیپلماتیک خصوصاً با کشورهای عرب خلیج فارس و به ویژه عربستان سعودی و گسترش تعاملات با سازمانهای بین‌المللی، درصدد عادی سازی و تنش زدایی در روابط بین‌الملل برآمد تا علاوه بر تامین نیازهای توسعه‌ای ایران جهت بازسازی ویرانی‌های حاصل از جنگ تحمیلی به ارائه چهره‌ای متفاوت از جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

در سه دهه اخیر نیز برنامه راهبردی جمهوری اسلامی ایران پیرو سیاست تعامل سازنده، نزدیکی به روسیه و چین به عنوان رقبای سنتی آمریکا بوده است. راهبرد مذکور عامل متوازن کننده ای در برابر سیاستهای تقابلی آمریکا در قبال ایران بوده که با وجود تحریم های گسترده، الزامات استراتژیک کشور را در زمینه های مانند نیازهای اقتصادی، توان دفاعی و نظامی، فناوری هسته ای و... تا حد زیادی مهیا ساخته است. از طرفی نزدیکی به این دو کشور بعنوان دو عضو دائم شورای امنیت، عامل تاثیرگذاری برای جمهوری اسلامی ایران در شکل دادن به ترتیبات منطقه ای مدنظر خود بوده است.

۴- بازبینی در سیاستهای اقتصادی

پس از رحلت امام خمینی(ره)، انتخاب آیت الله خامنه‌ای به عنوان رهبر نظام اسلامی از سوی مجلس خبرگان و تصدی پست ریاست جمهوری توسط آیت الله هاشمی رفسنجانی، به معنای تضعیف گرایشهای چپ‌گرا در درون هیئت حاکمه و وداع تدریجی با اقتصاد دولت محور دوره ده ساله بعد از انقلاب بود. (عظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۱۷۵) بر این اساس در راستای سیاست جدید آزاد سازی اقتصادی و خصوصی سازی، سیاست تعدیل اقتصادی جهت پیوند با اقتصاد جهانی، جذب سرمایه خارجی و انتقال تکنولوژی پیشرفته، سرلوحه کار دولت قرار گرفت. لذا متناسب با این نوع اقتصاد، راهبرد توسعه صادرات و سیاست خارجی برون گرای تعاملی که با الگوی توسعه صادرات سازگاری داشت اتخاذ گردید. (دهقانی فیروزآبادی، ۴۰۳-۱۳۹۱: ۴۰۴) که در نتیجه آن [علازغم پیامدهای منفی] گامهای قابل توجهی در جهت نوسازی و توسعه اقتصادی برداشته شد. شاخصهایی مانند «نرخ تولید ناخالص ملی»، «سهم صنعت در تولید ناخالص ملی»،

«سهم سرمایه گذاری در صنعت» و «رشد واحدهای صنعتی» می‌تواند این موضوع را تا حدی نشان دهد. (فوزی، ۱۳۹۲: ۲۶۸) این تغییرات که با توجه به ضرورت‌های اقتصادی کشور در دوره جدید انجام می‌گرفت، نقش مهمی در بازسازی اقتصاد ویران شده پس از جنگ و تجدید قوای نظام داشت. علاوه بر این در سالهای اخیر نیز به موازات برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دیگری مانند تنظیم سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ و ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری (مدظله العالی) انجام گرفته شده است که در راستای اهداف کلان نظام در حوزه اقتصاد بوده است.

۵- تقویت توان دفاعی و بازدارندگی

تجربه جنگ و ضعف قدرت نظامی کشور در رویارویی متقابل و پاسخ مناسب به تجاوز نظامی دشمن بعثی، رهبران نظام اسلامی را به این امر واقف ساخت که در صورت تکرار چنین اتفاقی، موجودیت نظام جمهوری اسلامی ایران به مخاطره جدی خواهد افتاد. لذا برای حفاظت از کیان کشور و نظام اسلامی و بر طبق نص صریح قرآن در آیه ۶۰ سوره انفال سیاست بازدارندگی بر پایه خود اتکایی نظامی در راس استراتژی دفاعی-امنیتی کشور قرار گرفت.

تاکید دکتربین دفاعی ایران بر بازدارندگی و جنگ‌های نامتقارن احتمالی از یک سو و عقب افتادگی تکنولوژیک و تنگناهای مالی و محدودیت‌های موجود در تأمین تسلیحات از خارج از کشور از سوی دیگر، انگیزه‌های اصلی بودند که ایران را به سوی دستیابی به فن آوری تولید موشک و ساخت آن در داخل کشور سوق می‌دادند (طارمی، ۱۳۸۲: ۱۸۱) بر این اساس بود که انتقال این فناوری از دو طرف اصلی ایران یعنی کره شمالی و چین صورت گرفت. با کمک چین خط تولید موشک‌های «اسکادبی» گسترش یافت و کره شمالی نیز تلاشهایی را در خصوص توسعه موشک‌های مدل «اسکاد» و «نودانگ ۱۰» انجام داد. علاوه بر این تأسیسات و صنایع دفاعی ایران اقدام به تولید و گسترش انواع دیگری از موشکها و سیستم‌های چند پرتابه شامل «عقاب»، «نازعات»، «شاهین»، «شهاب» و «تندر» نمودند. (ولی پورزرومی، ۱۳۸۳: ۵۲۸) که طی سالهای بعد نسل جدید این موشکهای راهبردی با قابلیت‌هایی فراتر از نمونه‌های قبلی نیز به تولیدات آن اضافه شدند.

در حال حاضر ایران دارای نیروی موشکی بزرگ و بسیار توانمند متشکل از موشک‌هایی با سوخت مایع و جامد مانند فاتح، شهاب، ذوالفقار، قدر، قیام و عماد می‌باشد. (Eisenstadt, 2016:4) که توان بازدارندگی بسیار بالایی را برای این کشور به ارمغان آورده است.

در مجموع می‌توان گفت، هر چند که دستاوردهای نظامی دیگری نیز در استراتژی بازدارندگی در جمهوری اسلامی ایران دخیل بوده اند و پیشرفتهای نظامی قابل توجهی در سایر زمینه‌ها نیز انجام پذیرفته است. لیکن با توجه به محدودیت‌هایی همچون تحریم ایران از خرید جنگ افزارهای نظامی پیشرفته مانند هواپیماهای جنگنده و...، طراحی و ساخت انواع موشک مهم ترین و تأثیرگذارترین ابزار استراتژی بازدارندگی در جمهوری اسلامی ایران بوده است. این امر علاوه بر ایجاد بازدارندگی موثر و افزایش ضریب دفاعی و امنیتی کشور، ایران را به بزرگترین قدرت موشکی منطقه تبدیل کرده است. در حال حاضر این توانمندی یکی از ارکان اصلی اعمال قدرت ایران در کنش‌های منطقه ای به شمار می‌آید. جمهوری اسلامی ایران با نمایش قدرت تهاجمی موشک‌های خود و تجهیز متحدان منطقه ای اش به برخی از این موشکها، ضمن موازنه سازی بازدارنده در برابر کشورهای متخاصم منطقه، از آن در جهت کسب منافع سیاسی مورد نظر خود استفاده کرده است.

۶- رشد و توسعه فناوری هسته‌ای

روند هسته‌ای شدن ایران که با پیروزی انقلاب اسلامی متوقف شده بود، بعد از پایان جنگ تحمیلی و در دوران سازندگی با تکمیل نیروگاه بوشهر در دستور کار قرار گرفت. انصراف آلمان از ادامه همکاری و تکمیل نیروگاه بوشهر باعث شد تا جمهوری اسلامی ایران قراردادی را با روسیه برای تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر منعقد کند. اما اولویت اصلی مسئولان امر گسترش فعالیت‌های هسته‌ای در داخل کشور و بومی سازی آن بود. بر این اساس دستیابی به UCF یکی از بزرگترین موفقیت‌های دانشمندان ایرانی و کلید اصلی غنی سازی در سال ۱۳۸۳ بود که در نهایت موجب تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای به صورت بومی و ایرانی در سال ۱۳۸۵ گردید. (سلامتی، ۱۳۹۳: ۴۸-۴۶) هر چند که چنین روندی با مخالفت‌ها و کارشکنی‌های شدید کشورهای غربی از طریق اعمال انواع تحریم‌های بین‌المللی و صدور قطعنامه‌های شورای امنیت همراه بود. ولی پس از مذاکرات چندین ساله، حق غنی سازی محدود ایران در توافق برجام به رسمیت شناخته شد.

جمهوری اسلامی با بومی سازی انرژی هسته ای و تبدیل ایران به کشور آستانه، درصدد برقراری یک توازن قدرت منطقه ای در برابر تهدیدات بیرونی و ایجاد بازدارندگی هسته ای بوده است. بر این اساس جمهوری اسلامی توانسته است از این حربه به عنوان اهرم فشار سیاسی در مذاکرات و تعاملات خارجی بویژه در مسائل منطقه ای استفاده کند.

۷- اشاعه ایدئولوژی انقلاب اسلامی در قالب قدرت نرم

به کارگیری قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران عمدتاً معطوف به اشاعه آرمانهای انقلاب اسلامی ایران بوده است. (Wastnidge, 2015:371) بستر قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای دیپلماسی عمومی است که از آن به عنوان صدور فرهنگی انقلاب یاد می‌کند. منظور از صدور فرهنگی انقلاب، بهره گیری از قدرت نرم انقلاب اسلامی جهت تاثیرگذاری بر دیگران بدون استفاده از عناصر فیزیکی و اجبار است. (جمال زاده، ۱۳۹۱:۸۲) هدف نهایی از اتخاذ چنین سیاسی انتقال ارزشهای انقلاب اسلامی ایران به محیط پیرامونی خود و به تبع آن نفوذ نرم و تدریجی جمهوری اسلامی در جوامع و کشورهای اسلامی خصوصاً در منطقه می‌باشد. این اقدامات که عمدتاً با هدف جهت دهی به افکار عمومی منطقه و ایجاد زیرساخت های فکری منبث از انقلاب اسلامی انجام پذیرفته است، موجبات تقویت عقبه ی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی را فراهم ساخته و بستر لازم برای تحقق طرحهای استراتژیکی چون تشکیل ژئوپلیتیک شیعه و محور مقاومت اسلامی را به وجود آورده است.

بر این اساس انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در تمرکز بر منطقه گرایی از طریق تقویت رویکرد ایدئولوژیک در سیاست خارجی ایران است. ماهیت ایدئولوژی انقلاب اسلامی به گونه‌ای است که تمرکز و اتصال جمهوری اسلامی ایران را به مسائل جهان عرب و اسلام اجتناب ناپذیر می‌کند. تمرکز در مسائل منطقه‌ای از جمله صلح اعراب و اسرائیل و مبارزه با استکبار و تاکید بر بعد ارزشی آن نقطه قوتی در سیاست خارجی منطقه‌ای ایران به حساب می‌آید و ایران را به عنوان بازیگر فعال منطقه‌ای مطرح می‌کند. (برزگر،

(۱۴:۱۳۹۷)

۸- تقویت ژئوپلیتیک شیعه

اقدامات انجام گرفته در ایران به عنوان کانون مذهب تشیع، تمامی جوامع شیعی را که به حوزه نفوذ ایران تعلق دارند متأثر می‌کند. با توجه به این نکته که کشورهایی که اکثریت شیعه دارند یا دارای اقلیت شیعی قابل توجهی هستند، عمدتاً در اطراف ایران قرار دارند، مشخص می‌گردد که ایران در کانون جغرافیایی شیعیان قرار گرفته است. چنین موقعیتی ایران را در جایگاه رهبری این قلمرو فضایی قرار داده و باعث بیشترین تاثیر گذاری انقلاب اسلامی در میان شیعیان این قلمرو شده است. مجموع چنین فضایی که از آن به عنوان «تعلقات ژئوپلیتیک» یاد می‌شود، بهترین زمینه را فراهم کرده است که جمهوری اسلامی بر پایه آرمانهای انقلاب اسلامی ارزش‌های مورد نظر خود را اشاعه دهد. (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۶۳-۲۶۰) و از این طریق «عمق استراتژیک» خود را به فراسوی مرزهای ایران گسترش دهد. بر این اساس اقداماتی چون ترویج مکتب تشیع، تعریف جایگاه ام‌القری شیعه، ارتباطات گسترده با کشورهای عراق و سوریه و حمایت‌های همه جانبه از گروه‌ها و احزاب شیعی مانند حزب الله لبنان و انصار الله یمن، در راستای پیروی از چنین سیاستی بوده است.

صاحب نظران سنی عرب پیگیری چنین سیاستی از سوی ایران را در جهت بسیج توده‌های مردمی در منطقه و ایجاد یک کمربند ایدئولوژیکی دور حکومتها و جناح‌های همسو با جمهوری اسلامی و در نهایت تلاشی از سوی ایران برای گسترش قدرت منطقه‌ای اش می‌دانند و از آن به عنوان هلال شیعی نام می‌برند. (Barzegar, 2008: 96-97) جمهوری اسلامی هر چند که با ایده و طرح شکل‌گیری هلال شیعی مخالف است اما از قدرت‌گیری شیعیان در منطقه در جهت موازنه تهدید با آمریکا و متحدانش و تثبیت قدرت و جایگاه خود در خاورمیانه استفاده کرده است. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۷۳). در واقع سیاست جمهوری اسلامی در استفاده از ابزار ایدئولوژی به عنوان یک عامل موثر در اجرای سیاست خارجی در منطقه با هدف افزایش قدرت ملی و دفع تهدیدات امنیتی صورت گرفته است، بنابراین تقویت ژئوپلیتیک شیعه از سوی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب اهداف عمل‌گرایانه و افزایش نقش استراتژیک ایران در منطقه صورت گرفته است تا جهت صرف ایدئولوژیک (برزگر، ۱۳۹۷: ۹۶-۹۳)

۹- تشکیل محور مقاومت اسلامی

محور مقاومت اسلامی ائتلافی متشکل از جمهوری اسلامی ایران، سوریه، حزب الله، حماس و شبکه‌ای از احزاب و گروههای مقاومت در منطقه است که بر اساس ایدئولوژی و هویت انقلاب اسلامی در جهت دفاع از آرمان فلسطین و مقابله با نظام سلطه شکل گرفته شده است.

در گفتمان مقاومت، دامنه قلمرو و امنیت ملی به امنیت اسلامی ارتقا یافته است. در واقع عرصه مقاومت از سطح نظریه به عمل وارده شده و انقلاب اسلامی مرزهای امنیتی خود را از مرزهای جغرافیایی ایران به مرزهای جهان اسلام گسترش داده است. از اینرو بین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و امنیت امت اسلامی پیوند و وحدت ایجاد شده است. (قاسمی، ۱۳۹۶: ۲۷-۲۶)

با شکل‌گیری محور مقاومت، مولفه‌های فرهنگی و دینی ایدئولوژی انقلاب اسلامی به حوزه نظامی و استراتژیک انتقال یافته است و ماهیتی عمل‌گرایانه به خود گرفته است. بر این اساس هویت شکل گرفته در قالب محور مقاومت، نظام امنیتی حاکم بر منطقه خاورمیانه را متاثر ساخته است. در همین راستا جمهوری اسلامی ایران با رهبری محور مقاومت در طول سالهای پس از انقلاب اسلامی همواره از دشمنی با اسرائیل برای فشار بر قدرت‌های غربی و مهار تهدید آنها علیه خود بهره برده است. (کریمی، ۷-۱۳۹۶: ۸) و با اتحاد با حماس به عنوان یک جنبش سنی، معرفی محور مقاومت به عنوان یک اتحاد فرقه‌ای شیعی را مردود شمرده است. (Mohns & Bank, 2012). همچنین جمهوری اسلامی در سالهای اخیر به منظور تقویت محور مقاومت، با حضور گسترده در عراق و سوریه و تشکیل هسته‌های جدید مقاومت پس از تحولات بیداری اسلامی درصدد ایجاد بازدارندگی و موازنه سازی در برابر رقبای منطقه‌ای و افزایش نفوذ خود در منطقه برآمده است. بر این اساس متابعت گروههای مقاومت از جمهوری اسلامی یکی از مولفه‌های اصلی قدرتمندی ایران محسوب می‌شود که به واسطه آن توان بر هم زدن ترتیبات منطقه‌ای مغایر با منافع خویش را بدست آورده است. در همین راستا جنگ نیابتی از طریق عوامل منطقه‌ای نظیر حزب الله، حماس و انصارالله، مهمترین استراتژی جمهوری اسلامی برای مهار قابلیت‌های تهاجمی دشمنان خود در منطقه بوده است.

نتیجه گیری

در این مقاله مجموعه تدابیر و اقدامات عملگرایانه دستگاه سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در جهت توازن و هماهنگی میان ایدئولوژی انقلاب اسلامی و منافع ملی ایران و تاثیر آن در قدرت یابی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته شده است. سر منشا این اقدامات را می‌توان در تغییر رویکرد نظام اسلامی در سالهای پایانی جنگ تحمیلی دانست. از این نظر ارائه دکترین ام القری و تغییر الگوی صدور انقلاب از اولین نشانه‌های واقع بینی در سیاست خارجی بود که بر اساس آن جمهوری اسلامی با درک مخاطرات حاصل از سیاست انقلاب مستمر درصدد برآمد تا صدور انقلاب را بر پایه حفظ قلمرو نظام اسلامی در محدوده جغرافیایی ایران پیگیری کند. قطعنامه ۵۹۸ نیز با استناد به لزوم حفظ موجودیت و بقای نظام اسلامی مورد پذیرش قرار گرفته شد. تغییر رویکرد جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ و اتخاذ سیاستهای عمل گرایانه مانند برقراری تعامل سازنده با نظام بین‌الملل که عمدتاً به منظور بازسازی کشور، تامین نیازهای اقتصادی و خروج از انزوای بین‌المللی صورت می‌پذیرفت، تاثیر بسزایی در بالا بردن امنیت سیاسی - اقتصادی کشور و تثبیت نظام سیاسی خصوصاً در آن برهه از زمان داشت. تثبیت نظام اسلامی از آن جهت حائز اهمیت می‌باشد که زمینه ساز منزلت منطقه‌ای ایران بوده است.

پیگیری سیاست هسته‌ای و ارتقاء قدرت دفاع موشکی دو راهکار اصلی جمهوری اسلامی ایران برای کاهش تهدیدات امنیتی محیط پیرامونی خود بوده که موجب بازدارندگی موثر نظامی و افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در تعاملات بین‌المللی شده است. این امر ضمن تقویت قدرت ملی و حفظ موجودیت نظام اسلامی به عنوان ام القرای جهان اسلام، در سیادت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز نقشی تعیین کننده داشته است. بر این اساس کسب فن آوری تولید موشکهای دوربرد و تجهیز زرادخانه موشکی ایران در کنار بومی‌سازی دانش

هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان قدرت نظامی بالفعل و قدرت هژمون بالقوه در منطقه مطرح کرده است.

در این میان ایدئولوژی انقلاب اسلامی از مهمترین عوامل تاثیرگذار در قدرت‌یابی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است. ماهیت ایدئولوژی انقلاب اسلامی به گونه‌ای است که نقش آفرینی جمهوری اسلامی ایران در ترتیبات منطقه‌ای را اجتناب‌ناپذیر کرده است. محوریت جمهوری اسلامی ایران در شکل‌دهی به ژئوپلیتیک شیعه و تشکیل محور مقاومت در منطقه با بهره‌گیری از ایدئولوژی انقلاب اسلامی منجر به باز تعریف شدن نقش منطقه‌ای ایران به منزله یک کانون قدرت شده که منطبق بر منافع ژئواستراتژیک ایران در گسترش فضای حیاتی و افزایش عمق راهبردی کشور می‌باشد. به بیان دیگر همسویی و همپوشانی میان ایدئولوژی جهان شمول انقلاب اسلامی و مقتضیات ژئواستراتژیک ایران، عامل موثری در قدرت‌یابی و ارتقاء جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است. برخی از استراتژیست‌ها اهمیت و جایگاه ایدئولوژی انقلاب اسلامی در تامین منافع ملی ایران را فراتر از این دانسته و با نگاهی حداکثری به این موضوع، اذعان داشته‌اند که ایدئولوژی انقلاب اسلامی، ابزاری شتاب‌دهنده و تسهیل‌گر برای اعاده مجدد جایگاه تاریخی ایران در منطقه بوده است.

منابع

- احتشامی، انوشیروان (۱۳۸۵). گذار از بحران جانشینی، تهران: نشر قومس.
- احمدی، سیدعباس (۱۳۹۰). ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلتیک، شیعه، تهران: اندیشه سازان نور.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. چاپ سوم، تهران: نشر قومس.
- ال. لمی، استیون (۱۳۹۲). «رویکردهای معاصر جدید: نئورنالیسم و نئولیبرالیسم» در کتاب جهانی شدن سیاست، جان بیلیس و استیو اسمیت، نشر ابرار معاصر تهران، صص ۴۴۶-۴۰۷
- برزگر، کیهان (۱۳۹۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه
- جعفر الظالمی، محمد صالح (۱۳۵۹). فقه سیاسی در اسلام. ترجمه رضا رجب زاده، تهران: پیام آزادی.
- جمالزاده، ناصر (۱۳۹۱). «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب». فصلنامه پژوهشهای انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴. صص ۸۶-۶۱
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). «تبری و تولی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی» برگرفته شده از: www.porseman.com/article/25035
- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۸). «هلال شیعی، فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا»، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۹۲-۱۵۲
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۱). جغرافیای سیاسی ایران. چاپ پنجم، تهران: سمت

- حافظ نیا، محمدرضا، احمدپور، زهرا و بویه، چمران (۱۳۹۱). «تبیین عوامل موثر بر شکل‌گیری قلمروهای ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال اول، شماره ۱. صص ۴۹-۲۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. چاپ چهارم. تهران: سمت.
- رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۰). هویت و سیاست هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران.
- زارعی، بهادر و ذکی، یاشار (۱۳۹۰). «اصل تمامیت ارضی از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸. صص ۲۲۱-۲۳۶.
- سلامتی، اعظم (۱۳۹۳) سیاست هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد و مواضع شخصیت‌ها. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سیدنژاد، سیدباقر (۱۳۸۹). «مطالعه تحلیلی و تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با نظریه سازه‌انگاری» فصلنامه علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره ۴۹. صص ۱۸۶-۱۶۳.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۱). فقه سیاسی در اسلام. جلد دوم، تهران: انتشارات آرین.
- صفوی، سیدحمزه (۱۳۸۹). کالبد شکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- طارمی، کامران (۱۳۸۲). «تحلیلی بر نقش موشک‌های بالستیک در دکترین دفاعی ایران». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۹. صص ۱۹۴-۱۷۹.
- عباسی سمنانی، علیرضا (۱۳۹۲). «موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در مناسبات قدرت منطقه‌ای و جهان»، فصلنامه اطلاعات جغرافیایی، دوره ۲۲، شماره ۸۶. صص ۱۰۴-۹۶.
- عظیمی دولت آبادی، امیر (۱۳۸۷). منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- فوزی، یحیی (۱۳۹۲)، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، چاپ سوم، جلد دوم، تهران: نشر عروج .
- فیرحی، داود (۱۳۹۳) فقه و سیاست در ایران معاصر. جلد اول، تهران: نشر نی.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۶). «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفت‌وگوهای انقلاب اسلامی»، فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، شماره ۳۸. صص ۳۳-۵
- کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۶). «نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۰. صص ۱۴-۱
- گریفیتس، مارتیس (۱۳۹۴). دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان. ترجمه علیرضا طیب، چاپ سوم، تهران: نشر نی .
- لارسون، توماس و اسکیدمور، دیوید (۱۳۹۰). اقتصاد سیاسی بین‌الملل. ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی. تهران: نشر قومس.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۹). «رویکردهای نخبگان در فرایندهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» و نگاهی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مجری طرح نسرين مصفا، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه. صص ۷۶-۶۵
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹). «تحلیل سیاست خارجی ایران از منظر سازه‌انگاری» در نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مجری طرح نسرين مصفا چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه. صص ۲۵-۱۳
- منصور، جهانگیر (۱۳۸۲). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ بیست و هفتم، تهران: نشر دوران.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۸). «چالش‌های نظری و عملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره دوم، صص ۵۵-۳۳
- نوری، وحید و ملکوتی، محمد (۱۳۹۱). «جایگاه عدالت طلبی در منابع هویت ساز سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی سال ۲۶، شماره ۱. صص ۳۰-۱

- ولی پور زرومی، سیدحسین (۱۳۸۳). گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران؛ انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هنری لطیف پور، یدالله (۱۳۸۰). فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- یعقوبی، سعید (۱۳۸۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- Barzegar, kayhan (2008). "IRAN and The Shiite Crescent: myths and Realities". The BROWN JOURNAL of WORLD AFFAIRS. Fall/winter Volum xV, ISSUE I, 87-99
- Cantelmo, Robert G. (2016). "hegemonic ambition, offensive realist prscriptions for regional hegemons in external regions". B.A in political science, may 2009, American university, published by proquest llc number 10002419
- Eisenstadt, Michael (2016). "the role of missiles in irans military strategy". the Washington institute for near east policy, no 39.
- Mohns, Erik and Bank, Andre (2012). "Syrian revolt fallout: end of the resistance axis? Middle east policy council. Volume xix. Number 3.
- Wastnidge, Edward (2015). "The modalities of Iranian soft Power: from cultural Diplomacy to soft war". Political studies Association. VoL 35(3-4),364-377.